

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. علم بیان چیست و از چه بحث می‌کند؟
 ۲. تشبیه چیست و چند رکن دارد؟
 ۳. فرق مشبه و مشبه به در چیست؟
 ۴. رابطه‌های مجاز کدام است؟
- در پایان معرفی، پرسش‌های بالا از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

علم بیان

بیان به معنای پیدا و آشکار شدن است و در اصطلاح ادبیات عبارت است از مجموع قواعد و قوانینی که به وسیله آن‌ها یک معنی به راه‌های گوناگون نشان داده می‌شود. شیوه‌های بیان اندیشه را در دانش بیان، در چهار زمینه گنج‌انیده اند، که ما در این بخش به بررسی هریک از آن‌ها می‌پردازیم. این چهار زمینه که مباحث علم بیان است، عبارت است از:

۱. تشبیه؛ ۲. استعاره؛ ۳. مجاز؛ ۴. کنایه

۱- تشبیه

تشبیه پیوند برقرار کردن میان دو چیز و همانند کردن آن‌هاست با واژه‌ها یا عباراتی ویژه؛ مانند: «علم درهدایت انسان، چون نور است.» در این مثال چهار پایه یا رکن وجود دارد، که ارکان تشبیه نامیده می‌شود.

(۱) **مُشَبَّه**: چیزی که آن را به چیز دیگری مانند کرده‌ایم. (یعنی علم)

(۲) **مُشَبَّه بَه**: چیز دوم که مُشَبَّه، به آن مانند شده است. (یعنی نور)

(۳) **ادات تشبیه**: واژه‌هایی که میان مشبه و مشبه به، پیوند برقرار می‌کنند. و آن‌ها عبارتند از: چون، چو، همچون، مانند، به سان، مثل، پنداری، گویی و...

(۴) **وجه شبیه**: صفت مشترک میان مشبه و مشبه به است (یعنی هدایت)

تشبیه انواعی دارد، به شرح زیر:

- **تشبیه مؤکد**: گاهی ممکن است ادات تشبیه حذف شود؛ مانند: روی او ماه است، اگر بر ماه مشک افشان شود. (که در اصل: روی او چون ماه است، بوده است)

- **تشبیه مجمل:** حذف وجه شبه موجب می‌گردد؛ تا ذهن خواننده خود تلاش کند که دلیل همانندی را بیابد؛ مانند: تم چون سایه موی است و دل چون دیده موران. (وجه شبه در این جا باریکی {مو} و تنگی {دیده} است که حذف شده است)
- **تشبیه تسویه:** هنگامی است که چند مشبه را به یک مشبه به تشبیه کنند؛ مانند: نقش خورنق است همه باغ و بوستان / فرش ستبرق است همه دشت و کوهسار
- **تشبیه جمع:** گاه یک مشبه را به چند مشبه به تشبیه می‌کنند؛ مانند: من همچو خار و خاکم و تو آفتاب و ابر
- **تشبیه بلیغ:** در تشبیه بلیغ ادات تشبیه و وجه شبه هردو حذف می‌شود؛ مانند: عمر برف است.

در زبان ادبی، گاه مشبه و مشبه به، با کسره به هم می‌پیوندند و به صورت اضافه تشبیهی بیان می‌شود؛ مانند: برفِ عمر. بنابراین اضافه تشبیهی، گونه‌یی از تشبیه بلیغ است. چند نمونه:

قد سرو، تیر مژگان، شبنم عشق، باران رحمت، خوان نعمت، کلاه شگوفه، مهد زمین، دایه ابر بهاری، نوردانش، چراغ علم، تخم محبت، نسیم رحمت، سحاب رحمت، سیلاب اشک.

۲- استعاره

هرگاه واژه‌یی به دلیل شباهتش با واژه دیگری به جای آن به کار رود، استعاره پدید می‌آید. به گفته دیگر، استعاره تشبیهی است که یکی از طرفین تشبیه ذکر نشود. استعاره از لحاظ ذکر یا حذف مشبه یا مشبه به، دو نوع است:

- استعاره مَصْرَحَه:

هنگامی است که مشبه را حذف کنیم و تنها مشبه به را ذکر نماییم؛ مانند: یکی درخت گل اندر میان خانه ماست / که سروهای چمن پیش قامتش پستند «سعدی» که بیت بالا استعاره از جوانی بلند بالا و خوش اندام است. ستاره‌یی بدرخشید و ماه مجلس شد. «حافظ» (استعاره از یار زیبا روی) فرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده. «سعدی» (استعاره از چمن و سبزه) همی زور کرد این بر آن / نجنیید یک شیر بر پشت زین «فردوسی» (استعاره از پهلوان) • استعاره مکنیه:

این استعاره صورت معکوس استعاره مصرحه است؛ یعنی، در آن مشبه به را حذف کرده و مشبه را ذکر می‌کنند. ولیکن «مشبه به» جای خود را به یکی یا چند اوصاف خود می‌دهد؛ مثلاً وقتی می‌گوییم: کام ظلم، ظلم را به حیوانی تشبیه کرده‌ایم، که کام و دهان برای بلعیدن دارد و مظلوم را در کام خود فرو می‌برد.

نمونه‌های دیگر:

یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.

دست روزگار، رخسار صبح، چنگال مرگ، آستین عقل، دست طرب، چشم بخت.

۳ - مجاز

مجاز به کاربردن واژه در معنای غیرحقیقی است، به شرط آن که میان س حقیقی و معنای غیرحقیقی پیوندی برقرار باشد؛ مثلاً: هنگامی که می‌گوییم: «جهان انجمن شد بر تخت اوی» مراد از جهان، مردم جهان است.

- طبق معمول رابطه‌های زیر باعث می‌شود که واژه‌یی در معنای مجازی به کار رود:
 - رابطهٔ حال با جا: سراسر همه دشت بریان شدند. (دشت به جای مردم دشت آمده است)
 - رابطهٔ کل با جزء: افغانستان در مسابقات فوتبال قهرمان شد. (که افغانستان به جای تیم فوتبال افغانستان آمده است)
 - رابطهٔ جزء با کل: به کشتن دهند سر به یکباره گی (سر به جای تمام وجود آمده است)
 - رابطهٔ لازم با ملزوم: فلان را در دوستی پای نیست. (پای به جای پایداری آمده است)
- در اصطلاح علم بیان این رابطه‌ها را علاقه نیز می‌نامند.

۴ - کنایه

کنایه به معنای سخن پوشیده گفتن است؛ اما در علم بیان، عبارت است از گفتن لفظی در معنای غیرحقیقی (معنای نزدیک)، آن گونه که بتوان معنای حقیقی (معنای دور) آن را نیز اراده کرد.

به عنوان مثال در جمله‌های:

- «پرسیدم: پس چه خاکی بر سر بریزم.»
- «بقیه را فعلاً خط بکش.»

عبارت‌های مشخص شده دارای دو معنای نزدیک و دور اند؛ اما معنای دور آن‌ها مورد نظر است. «چه خاکی بر سر بریزم؟» در معنای حقیقی؛ یعنی «چه کار باید بکنم؟» و عبارت «خط بکش» یعنی «نادیده بگیر.» این نوع کاربرد را کنایه می‌گویند.

چند نمونه:

- در خانهٔ او به روی همه باز است.
- معنای نزدیک: همه می‌توانند وارد خانهٔ او شوند.
- معنای دور: مهمان نواز است.
- چشم به راه بودن

معنای نزدیک: یکسره و بدون توقف به راه دیدن

معنای دور: انتظار کشیدن

• کمر بستن

معنای نزدیک: کمر بند را به کمر بستن

معنای دور: همّت کردن

تفاوت کنایه با مجاز و استعاره در این است که در کنایه به هر دو معنای می توان دست یافت و هر دو معنا می تواند درست باشد (ولی گوینده معنای حقیقی را می خواهد).



علم بیان که به یاری آن حالات گوناگون سخن را در هماهنگی با حال شنونده و خواننده تعیین می کنند، به سه نوع ایجاز، اطناب و مساوات نیز تقسیم می شود:

ایجاز: عبارت است از بیان مقصود و معنا در کوتاه ترین لفظ و کمترین عبارت، مشروط بر آن که رساننده مقصود باشد.

اطناب: درازگویی و آوردن واژه ها و عبارات زاید و بسیار در سخن را گویند، که معنای آن ها کم و اندک باشد.

مساوات: یعنی آوردن لفظ به اندازه معنا، که برای رسانیدن مقصود گوینده مناسب است.

بخوانیم و بدانیم

۱. بیان به معنای پیدا و آشکار شدن است و در اصطلاح ادبیات عبارت است از مجموع قواعد و قوانینی که به وسیله آن ها یک معنای به گونه های مختلف نشان داده می شود.
۲. شیوه های بیان اندیشه را در دانش بیان، در چهار زمینه گنجائیده اند، که عبارتند از:
(۱) تشبیه؛ (۲) استعاره؛ (۳) مجاز؛ (۴) کنایه
۳. علم بیان از نظر سنجش حالات سخن به سه بخش ایجاز، اطناب و مساوات تقسیم می شود.
۴. تشبیه اقسام زیادی دارد. مهمترین آن تشبیه مؤکد، مجمل، تسویه، جمع و بلیغ نام دارد.
۵. تشبیه چهار رکن دارد: مشبه، مشبه به، ادات تشبیه و وجه شبه.